

بررسی دلایل رویکرد اخباریان به علم رجال

حسن نقی زاده^۱

سعیده سادات موسوی نیا^۲

چکیده

اخباریان، در قرون اخیر، بر گروهی از عالمان اطلاق می‌شود که نسبت به اخبار رسیده از معصومان علیهم‌السلام توجه ویژه نشان می‌دهند. در این میان، دیدگاه این گروه نسبت به علم رجال و ارزش آن در خور تأمل است. آنچه مشهور است، رویکرد منفی اخباریان به علم رجال و انکار نیاز به این دانش از سوی آنان است. شاید مخالفت اخباریان با علم درایه و در پی آن، تنويع حدیث و از سوی دیگر، رابطه تنگاتنگ میان علم درایه و دانش رجال همگان را بدین باور واداشته است. این پژوهش در صدد است که مشخص کند اخباریان به طور مطلق منکر علم رجال نبوده‌اند. تألیفات رجالی و گاه بررسی سندی روایات توسط آنان، این مدعا را تأیید می‌کند که آنان خود، منهج رجالی خاصی را داشته‌اند و در قبال آن اهداف خاصی را دنبال می‌کردند. کلید واژه‌ها: اخباریان، علم رجال، بررسی سندی.

اخباریان و گونه‌های اخباری‌گری

«اخباری»، از ماده «خبر»، به طور مطلق، بر هر که با تاریخ سروکار داشته، اطلاق می‌شده است؛^۳ چنان که ابن ندیم در *الفهرست* از «مورخ» با عنوان «اخباری» یاد کرده است.^۴ اطلاق اخباری بر مورخ، اصطلاحی رایج و قدیمی بوده است؛ به عنوان مثال یعقوبی از ابو مخنف اخباری یاد می‌کند.^۵ اما از قرن چهارم به بعد بر محدثان نیز اطلاق

۱. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.

۳. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۱۲۱.

۴. *الفهرست*، ص ۱۰۷.

۵. *تاریخ الیعقوبی*، ج ۱، ص ۲۳.

می شده است.^۶

دلیل نامگذاری این جماعت به اخباری تکیه آنان بر اخبار است.^۷ به عبارت دیگر، اخباری، فقهی است که فقط با استناد به کتاب و سنت به استنباط احکام شرعی می پردازد و در مقابل، اصولی بر فقهی اطلاق می شود که از (کتاب، سنت، اجماع و عقل) برای استنباط احکام بهره می جوید.^۸

طبق اظهارات شهرستانی علمای امامیه از همان ابتدا به دو گروه اصولی و اخباری تقسیم می شدند^۹ و بر این مطلب، علمای اخباری نیز تأکید دارند؛ چنان که از کلام استرآبادی نیز چنین برمی آید؛ آنجا که می گوید:

نزد قدامای اخباری مانند شیخ صدوق و محمد بن یعقوب کلینی ...^{۱۰}

از ظاهر بعضی از کلمات شیخ یوسف بحرانی نیز استفاده می شود که ایشان هم بنیاد گذار مسلک اخباری گری را مرحوم صدوق دانسته است؛ آنجا که شیخ صدوق را رئیس اخباریان معرفی می نماید.^{۱۱}

با توجه به پیشینه تاریخی اخباری گری، در واقع، رواج و اطلاق عنوان اخباری، بر گروهی خاص و با اصطلاح مشخص امروزی آن، از سده یازدهم هجری قمری و با ظهور پیشوای حرکت نوین اخباری، یعنی محمد امین استرآبادی آغاز شده است.

بعد از استرآبادی، مدت دو قرن، به خصوص قرن یازدهم هجری، زمان اوج اخباری گری بوده است. آخرین تلاش های اخباریان به دست میرزا محمد بن عبدالنبی نیشابوری (م ۱۲۳۲ق)، معروف به میرزا محمد اخباری انجام گرفت.

از لحاظ زمانی می توان مکتب اخباری را به دو مکتب اخباری قدیم و مکتب اخباری جدید تقسیم نمود. در دل مکتب اخباری جدید نیز مدرسه های گوناگونی پدیدار شد که اخباریان را براساس میزان تمایلات و دغدغه هایشان نسبت به این روش و به کارگیری آن و نوع اتهام و انتقادشان به روش رقیب، به دو گروه افراط گرا و اعتدال گرا تقسیم نمود.

۶. نظریة السنة، ص ۲۱۷.

۷. همان، ص ۲۰۷.

۸. الاصولیون و الاخباریون فرقة واحدة، ص ۲۵.

۹. الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۶۵.

۱۰. الفوائد المدنیة، ص ۹۱.

۱۱. الحوادث الناضرة، ج ۱، ص ۱۷۰.

اخباریان متقدم

نمی‌توان صفت اخباری را از برخی علمای متقدم، تنها به سبب این که افکار استرآبادی را اظهار نمی‌کردند، سلب نمود؛ زیرا مدارس فکری همواره در حال تکامل است و این امر طبیعی است که بعضی از نظریات در طول دوران تغییر یابد. همه می‌دانند که اصول فقه قدیم با اصول فقه جدید فرق دارد و این بدان معنا نیست که اصولیان جدید دنباله‌رو اصولیان قدیم نیستند.^{۱۲} این مطلبی است که استرآبادی نیز بر آن تأکید دارد.

وی شیوه ابداعی خود را به پیشینیان نسبت می‌دهد و برای آن ریشه‌ای تاریخی در عصر غیبت صغرا و عصر امامان علیهم‌السلام جست و جوی می‌کند و از این طریق، بنیان‌های ابداعی مرام خود را استحکام می‌بخشد و در صدد است که اثبات کند، اخباری‌گری پدیده‌ای نوظهور نیست، بلکه ادامه راه اصحاب ائمه علیهم‌السلام است.^{۱۳}

از رجال شاخص و مؤثر این مکتب می‌توان به کسانی همچون محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۸ یا ۳۲۹ ق)، علی بن بابویه قمی (م ۳۲۸ ق)، ابن قولویه (م ۳۶۸ یا ۳۶۹ ق) و محمد بن بابویه قمی (م ۳۸۱ ق) اشاره نمود که در تألیف کهن‌ترین مجموعه‌های فقهی و حدیثی نقش عمده‌ای ایفا نموده‌اند.

اخباریان متأخر

این مرحله با ظهور محمد امین استرآبادی و تألیف کتاب *الفوائد المدنیة* بنیان نهاده شد و به سرعت حوزه‌های جهان تشیع را در هم نوردید.

این مکتب اخباری خاص - که دنباله‌رو مکتب اخباری عام (مکتب اهل الحدیث) بود - دارای اصولی منقح، فنی و مدون بود. در دل این مکتب مدرسه‌های گوناگونی پدید آمد که اخباریان را به دو گونه افراط‌گرا و اعتدال‌گرا تقسیم نمود. در حقیقت، اخباریان متأخر امامی طیف گسترده‌ای را شامل می‌شوند؛ از «محمد امین استرآبادی» گرفته - که به طور مطلق اصولی‌گری را نفی می‌کند - تا «شیخ یوسف بحرانی» که تمایلات اصولی داشت.

در بین کسانی که شیوه مرحوم استرآبادی را پسندیده و به اخباری‌گری گرایش پیدا کرده‌اند، فقهای بزرگی را می‌توان یافت که در عین اخباری بودن، دارای اعتدال و میانه‌روی

۱۲. نظریة السنة، ص ۲۱۷.

۱۳. الفوائد المدنیة، ص ۱۰۴.

هستند و از ستیزه‌جویی با اصولیان برحذرند؛ مانند: محمد تقی مجلسی (م ۱۰۷۰ ق)، محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق)، فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق)، شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ ق)، شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ ق)، ملا خلیل قزوینی (م ۱۰۸۹ ق)، حسین بن شهاب الدین کرکی (م ۱۰۷۶ ق) و...^{۱۴}

از نشانه‌های اخباری بودن اینان، نخست، یادکرد آنان در منابع رجالی، به طور همزمان، به عنوان فقیه و محدث است.^{۱۵} نشانه دیگر اخباری بودن آنان این است که به دفاع از عقاید اخباریان برخاسته‌اند؛ به عنوان نمونه، شیخ حر عاملی با پرهیز از هرگونه بحث و جدل بر ضد اصولیان و مجتهدان، به شدت از اخباری‌گری هواخواهی نموده و آن را تقویت می‌کرد. وی در *درخاتمة وسائل الشیعة* به بیان مواضع اخباریان می‌پردازد و کتاب *الفصول المهمة* مهم‌ترین شاهد اخباری‌گری شیخ حر عاملی است.

مرحوم محمد تقی مجلسی با آن که بسیاری از مطالب کتاب *الفوائد المدنية* را مطابق با واقع می‌انگارد، به خاطر تساهل فراوان ملا محمد امین استرآبادی و تندروی‌های غیرمعمول نامبرده، به طریقه‌ای متعادل بین طریقه مجتهدان و اخباری‌هایی چون ملا امین گرایش پیدا می‌کند.

محدث یاد شده در این باره می‌نویسد:

... در حقیقت آنچه مولانا محمد امین گفته است، حق است. مجملأً طریق این ضعیف وسطی است ما بین افراط و تفریط و آن طریق را در *روضۃ المتقین* مبرهن ساخته‌ام...^{۱۶}

از دیگر اخباریان اعتدال‌گرا می‌توان به مرحوم فیض کاشانی اشاره کرد. فیض در طول دوران حیاتش معتدل بوده، اما در کتاب *سفینة النجاة* - که در اواخر عمرش نوشته - به شدت از افکار اخباریان دفاع کرده است.^{۱۷}

وی در رساله *حق المبین* به این که صاحب *الفوائد المدنية* را ملاقات کرده، اعتراف می‌کند و از وی بسیار تجلیل کرده و چنین می‌نوسد:

۱۴. مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۵۹.

۱۵. مکاتب فقه امامی، ص ۲۵.

۱۶. لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۳۸.

۱۷. نظریة السنة، ص ۲۹۸.

... توسط یکی از اصحابمان از اهالی استرآباد، هدایت یافتیم...^{۱۸}

محمد باقر مجلسی نیز از یکی از چهره‌های سرشناس اخباریان به شمار می‌آید. وی در حقیقت، مجتهدی است اخباری مسلک که نه به اصول اخباری‌ها دل بسته و نه تمام قواعد مجتهدین را به کار بسته است. وی در مقدمه *مرآة العقول* چنین آورده است:

... حقیقت علم یافت نمی‌شود، الا در اخبار اهل بیت علیهم‌السلام و سبیل نجات هویدا نمی‌گردد، الا با فحص از آثار ایشان.^{۱۹}

این شیوه بعد از وی مرضی علمایی چون شیخ یوسف بحرانی می‌گردد؛ هرچند وی ابتدا اخباری صرف و خالص بوده که بعد از این نظریه برگشته و مانند علامه مجلسی (دوم) طریق وسطی را برگزیده است.^{۲۰} مقدمات کتاب معروف وی، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، برای اثبات مسلک وی کافی است.

علم رجال و رویکردهای رجالی

دانش رجال، علمی است که در آن از حالات راویان حدیث و صفات آنها بحث می‌شود؛ از آن جهت که آن صفات، در رد و قبول خبر آنان تأثیر دارد.^{۲۱} در توجه به علم رجال رویکردهای مختلفی وجود دارد؛ برخی آن را ضروری دانسته و برخی در مقابل آن را نفی کرده‌اند و برخی روش میانه‌ای را انتخاب نموده‌اند؛ یعنی، نه آن را قبول و نه نفی کرده‌اند، بلکه قایل به احتیاج کم به علم رجال هستند. این رویکردها عبارت‌اند از:

- **ضرورت پرداختن به علم رجال:** علمای اصولی براین باورند که حکم به صحت و ضعف احادیث موقوف به علم رجال است.^{۲۲}

- **عدم احتیاج:** در مسلک سید مرتضی و ابن ادریس - که به خبر واحد عمل نمی‌کردند - تقریباً فایده علم رجال منتفی است و نیز مسلک برخی از اصولیان - که عمل به مشهور را دلیل آورده‌اند و هر روایتی که مشهور به آن عمل نکردند، نزد آنان مردود است؛ اگرچه

۱۸. حق المبین، ص ۱۲.

۱۹. مرآة العقول، ج ۱، ص ۲۲.

۲۰. الحدائق الناضرة، ج ۱، ص ۱۵.

۲۱. الذریعة، ج ۸، ص ۸۰.

۲۲. نقد الرجال، ج ۱، ص ۳۳.

صحیح السند باشد - و نیز مسلک جمعی از اخباریان - که قایل به قطعیت کتب اربعه هستند - احتیاجی به مراجعه به علم رجال نمی بینند، مگر در مواردی که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.^{۲۳} وحید بهبهانی می گوید:

اخباریان حاجت به علم رجال را رد کرده اند؛ از آن رو که قایل به قطعی الصدور بودن احادیث هستند.^{۲۴}

- **موضع نفی ورد علم رجال:** برخی بر این باورند که علم رجال علم منکری است، چرا که در آن به ترجمه افراد و ذکر عیوب آنان می پردازد و آنان را رسوا می سازد؛ در حالی که بر اساس قرآن و روایات از تجسس در احوال مردم نهی شده ایم.^{۲۵}

- با تتبع در آثار اخباریان، در می یابیم که آنان به طور مطلق منکر علم رجال نشده اند، بلکه آثار آنان، نشان گر اطلاعات بالای رجالی ایشان است، و در این زمینه دارای آثار متعددی نیز هستند.

نقش دانش رجال از دیدگاه اخباریان

بحث های رجالی از قدیم مطرح بوده، ولی از حیث مضمون و طریقه بحث مختلف بوده است و بعدها به ضرورت، بحث ها از شمول و گستردگی بیشتری برخوردار شده است.^{۲۶} بنا بر این، علمای امامیه، از همان ابتدا به علم رجال به عنوان شاخصی مهم در ارزیابی روایات اهمیت داده اند؛ اما آنچه مشهور است، بی مهری اخباریان و انکار نیاز به علم رجال از سوی آنان است.

با جست و جو در آثار اخباریان در می یابیم که آنان به طور مطلق منکر علم رجال نشده اند و آثار آنان نشان گر اطلاعات بالای رجالی ایشان است؛ حتی آنان یکی از قرائین اعتبار حدیث را وثاقت راویان سلسله سند می دانند.

در حقیقت، اخباریان سبک نوینی را در رجال و بررسی حدیث بر اساس وثاقت راوی پی ریختند؛ زیرا در حکم به وثاقت راوی تنها به نصوص رجالی اکتفا نکرده و راه های دیگری را نیز برای اثبات وثاقت راوی مطرح نمودند؛ از آن جمله می توان به مواردی همچون

۲۳. بحوث فی فقه الرجال، ص ۵۲.

۲۴. الفوائد الرجالية، ص ۲.

۲۵. تنقیح المقال، ص ۹.

۲۶. رک: بحوث فی فقه الرجال، ص ۵۲ و ص ۲۴.

«راوی از اصحاب اجماع باشد»،^{۲۷} «راوی از مشایخ اجازه باشد»^{۲۸} و... اشاره نمود.

در حقیقت، اخباریان محدود کردن صحت حدیث، در چارچوب وثاقت راوی را بر نمی‌تابند و حکم به صحت حدیث یا ضعف حدیث، تنها بر اساس اطلاعات رجالی را نمی‌پذیرند. آنان با علم رجال مخالف نیستند، بلکه با کارایی علم رجال به منظور تنويع حدیث مخالف‌اند؛ چرا که از دیدگاه آنان با تنويع حدیث، هزاران حدیث از حوزه استنباط احکام فقهی بیرون رفته و در زمره اخبار ضعیف قرار خواهند گرفت.^{۲۹} محمد امین استر آبادی برای اثبات صدور حدیث از معصوم، به نوعی از علم رجال استفاده کرده و چنین آورده است:

یکی از قراینی که بر صدور روایات از ائمه علیهم‌السلام دلالت دارد، این است که راوی در زمره کسانی باشد که به اصحاب اجماع معروف‌اند.^{۳۰}

شیخ حرعاملی نیز نقش دانش رجال را این‌گونه توضیح می‌دهد:

بحث از احوال راویان فوایدی دارد که عبارت‌اند از:

۱. آگاهی یافتن از برخی قرینه‌ها که قدما آنها را می‌شناختند و بر پایه آنها به اعتبار روایت حکم می‌کردند؛
۲. راهیابی به قرینه‌های بسیاری که بر صدور حدیث دلالت دارند؛
۳. امکان یافتن ترجیح برخی روایات بر روایات دیگر در هنگام تعارض؛ البته در صورتی که مرجح قوی‌تری نباشد؛
۴. امکان اثبات تواتر از طریق نقل گروهی، حتی اگر کم باشند؛ چرا که برای تواتر عدد مشخصی تعیین نشده است و این عدد با توجه به احوال راویان و میزان اعتماد به آنها متغیر است. ملاک تواتر، آن است که در هر نقلی که توافق بر دروغ به طور عادی محال انگاشته شد، برای آن تواتر ثابت می‌شود؛
۵. شناخت دقیق کتاب‌هایی که برآنینم از آنها نقل حدیث نموده و یا بدان‌ها عمل کنیم. پس اگر راوی کتاب و مؤلف آن، ثقة و معتمد باشد، به کتاب او عمل می‌شود و گرنه، از اعتبار خارج خواهد بود. فواید دیگری نیز در بحث از

۲۷. الفوائد المدنیة، ص ۱۷۸؛ هداية الابزار، ص ۸۶؛ وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۲۴.

۲۸. حدائق الناضرة، ج ۱، ص ۲۵؛ روضة المتقین، ج ۱، ص ۲۸؛ مرآة العقول، ج ۱۳، ص ۷.

۲۹. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۵۹ و ۲۶۱.

۳۰. الفوائد المدنیة، ص ۱۷۸.

احوال راویان وجود دارد که نیازی به ذکر آنها نیست.^{۳۱}

به دیگر سخن، اقبال اخباریان به علم رجال لزوماً به معنای پذیرش و تطبیق علم رجال بر اسناد احادیث نیست، بلکه آنان اهداف خاصی از این رویکرد مثبت به علم رجال داشته‌اند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

اخباریان در مقابل علم درایه و به عبارتی دیگر، تنويع حدیث موضع منفی گرفته‌اند؛ اما مخالفت آنان با دانش درایه را نمی‌توان به منزله انکار علم رجال تلقی نمود. باید توجه داشت که مدرسه اخباریان از آن جهت با علم رجال جنگید که آن را علم نقد سندی نامید. شاید رابطه تنگاتنگ علم درایه و علم رجال همگان را بر این باور واداشته است که اخباریان با علم رجال مخالف هستند.

محمد امین استرآبادی تنويع حدیث را موجب نابودی دین می‌داند.^{۳۲} وی بر این باور است که این تقسیم در کتب عامه مشهور بوده و چون بیشتر اخبارآنان خبر واحد و خالی از قرائن است، به این تقسیم احتیاج پیدا کردند.^{۳۳}

اخباریان روی این نکته - که اصطلاح اقسام اربعه حدیث، اصطلاحی حادث است و نزد فقهای امامیه موجود نبوده - اتفاق نظر دارند و می‌گویند: خبری نزد قدما صحیح بوده که محفوظ به قرائن صحت باشد.

شیخ حرعاملی تقسیم اربعه حدیث را از بدعت‌هایی می‌شمرد که عمل به آن جایز نیست. وی بر این باور است که این اصطلاح مستحدث، در زمان علامه و استاد او احمد بن طاووس و از روی اجتهاد و بر پایه ظن به وجود آمده است. وی برای اثبات این مسأله به حدیث امام صادق (علیه السلام) استناد می‌کند که می‌فرمایند:

بدترین امور، امور محدث هستند.^{۳۴}

در حقیقت، اخباریان در برابر تقسیم اربعه حدیث دو نوع موضع گرفته‌اند: گروهی به شدت با آن به مخالفت برخاسته و گروهی دیگر با آن به مدارا نشسته‌اند و به بررسی سندی روایات بر این اساس پرداخته‌اند؛ به عنوان مثال، حسین بن شهاب الدین کرکی به عنوان

۳۱. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۷۸.

۳۲. رک: الفوائد المدنیة، ص ۱۲۲ و ص ۱۰۹.

۳۳. همان.

۳۴. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۶۲.

یکی از مخالفان سرسخت، از علم درایه چنین یاد می‌کند:

علم درایه، کلام مزخرفی است و نسبت آن به محدث، مانند نسبت علم عروض، به شاعر است.^{۳۵}

چنان که شیخ حرعاملی نیز متذکر شده است، بحث از احوال رجال، لزوماً به منزله پذیرش تقسیم اربعه حدیث نیست. وی از جمله اخباریانی است که با تقسیم اربعه حدیث به مخالفت برخاسته است و در ضمن تصریح به این نکته که عبث بودن بحث از احوال رجال، خلاف اجماع متقدمین و متأخرین است، در ادامه می‌نویسد:

بحث از احوال رجال، دلالت بر اصطلاح جدید ندارد و این اصطلاح امر مستحدثی است که بعد از گذشت هفتصد سال پدید آمده و مسأله‌ای اصولی است که در آن تقلید جایز نبوده و بر اساس ظن استوار است.^{۳۶}

بنا بر این، با توجه به تطور علم رجال و تغییر کاربری آن منافاتی ندارد که اخباریان با وجود اتخاذ موضع منفی در برابر تقسیم اربعه حدیث باز هم به بررسی سندی پراخته باشند و این امر حاکی از این موضوع است که اخباریان در گرایش به علم رجال موضع واحدی نداشته‌اند. این جماعت در حقیقت، دو دسته‌اند:

برخی معتقد به عدم نیاز به بررسی تک تک راویان حدیث هستند، مگر در جایی که پای ترجیح روایات به یکدیگر در میان باشد. اینان به عقیده خود از شیوه قدما در بررسی روایات بهره می‌برند؛ مانند محمد امین استرآبادی، شیخ یوسف بحرانی و شیخ حرعاملی. دسته دیگر از عالمان اخباری با وجود موضع‌گیری در برابر تنويع حدیث، به علت مؤانست مردم با این روش، با رویکردی اخباری‌منشانه به بررسی احادیث پرداخته‌اند؛ مانند عمل مرحوم مجلسی اول در شرح کتاب الکافی، به نام روضة المتقین و مرحوم مجلسی دوم در شرح خود بر همین کتاب که مروة العقول نام دارد.

محمد تقی مجلسی از جمله اخباریانی است که در شروح خود، بر کتب اربعه به بررسی سندی احادیث، به شیوه متأخران، به دلایلی بها داده است؛ ولی وی همچنان بر مسلک اخباری خویش اصرار ورزیده و چنین می‌گوید:

۳۵. هدایة الابرار، ص ۸۱.

۳۶. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۸۰.

جمعی از متأخرین به سبب عدم تتبع، حکم به ضعف بسیاری از اخبار کرده‌اند؛ با آن که محمد بن یعقوب - رضی الله عنه - خود یادآور شده که اخبار کافی آثار صحیح است و ابن بابویه نیز حکم به صحت این اخبار نموده و هیچ دغدغه‌ای نیست که حکم به صحت ایشان بهتر از حکم به صحت متأخرین است.^{۳۷}

عبدالنبی کاظمی در این باره می‌نویسد:

پوشیده نماند که بعضی از عالمان اخباری، خلاف بحرانی برای علم رجال احترام قایل هستند که از جمله آنها، عمل شیخ حرعاملی در *وسائل الشیعة* و مجلسی در *مرآة العقول* و عمل فیض کاشانی در *الوافی* نیز چنین است.^{۳۸}

نمونه‌هایی از فعالیت‌های رجالی اخباریان

همان گونه که ذکر شد، اخباریان علم رجال را به طور مطلق نفی نکرده، بلکه دارای کوشش‌های رجالی نیز بوده‌اند که برخی از این فعالیت‌ها به قرار زیر است:

- دقت‌های رجالی در سند و طریق روایت

باید توجه داشت که شیخ صدوق به عنوان یک محدث، به نقش سند در ارزش‌گذاری یک روایت کاملاً واقف بوده است. دقت‌های رجالی وی از آن رو درخور توجه است که اخباریانی از جمله استرآبادی از وی به عنوان رئیس اخباریان یاد می‌کند.^{۳۹} اخباریان به اسناد حدیث به عنوان معیاری مهم در ارزیابی آن اهتمام ورزیده و بر این اساس فتوا می‌دادند؛ چنان که مرحوم مجلسی به نقل از شیخ صدوق در بیان علت حذف اسانید در کتاب من لا یحضره الفقیه می‌گوید:

اسانید اخبار را حذف کردم، با وجود گفته‌ی قال الصادق علیه السلام وقال الباقر علیه السلام، تا مبدا طرق او و سند او موجب زیادت حجم کتاب شود و در نتیجه سبب بی‌رغبتی گردد؛ هر چند خبر با سندهای بسیاری نزد من موجود بود.^{۴۰}

در همین زمینه مرحوم فیض کاشانی نیز در کتاب *الوافی*، با استفاده از کتب روایی

۳۷. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۱۵۶.

۳۸. تکملة الرجال، ج ۱، ص ۲۸.

۳۹. الفوائد المدنیة، ص ۱۵۶.

۴۰. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۱۵۶.

دیگر، سندهای ناقص را کامل و قابل اعتبار کرده است. این مسأله در خصوص روایات من لا یحضره الفقیه بسیار با اهمیت است؛ زیرا مرحوم صدوق در بسیاری از موارد سند روایات را نقل نکرده و در مشیخه نیز طریق خود را به آن ذکر ننموده است. قدما در صدور فتوا به قوت سند اهمیت بسیاری می دادند؛ به عنوان مثال شیخ صدوق می گوید:

من این خبر را به علت قوت اسنادش در اینجا آوردم.^{۴۱}
چنان که همواره به شاذ بودن و منفرد بودن روایت تصریح می کند.

- ارزیابی حدیث به شیوه متأخران

پس از قرن هفتم و با پذیرش تقسیم اربعه حدیث، از سوی بسیاری از فقیهان و محدثان، برخی از اخباریان با وجود اذعان به اعتبار روایات کتب اربعه، به ارزیابی جوامع حدیثی بر این اساس پرداختند؛ به عنوان نمونه علامه مجلسی، در کتاب گران سنگ مرآة العقول طبق اصطلاح متأخران، به ارزیابی تک تک روایات الکافی پرداخته و با تعبیری کاملاً مختصر، اما بسیار گونه گون اقسام روایات الکافی را مشخص کرده است. وی در بررسی اسناد روایات، شیوه گزیده گویی را برگزیده و از پرداختن به احوال یکایک راویان در زنجیره سند خودداری می ورزد. در حقیقت، نتیجه نهایی بررسی رجالی خود را با تعبیرهایی از قبیل عناوین ذیل بیان می دارد: «صحیح»، «صحیح علی الاظهر»، «ضعیف علی مصطلح القوم»، «ضعیف علی المشهور» و ...^{۴۲}

باید توجه داشت که اخباریان، دیدگاه های رجالی خاص خودشان را در بررسی روایات، دخالت می دهند که بیشتر نزدیک به دیدگاه متقدمان است و گذشته از اعتبار سندی روایات، به اعتبار محتوایی آن نیز توجه دارند. بر همین اساس گاه ضعف سندی روایات را در سایه قوت محتوا نادیده می انگارد و در نهایت، به اعتبار یا عدم اعتبار روایت حکم می کند.

- تألیف کتاب های رجالی

آثار رجالی اخباریان نشان دهنده توجه ویژه آنان به علم رجال است. اگر محدثان را نیز

۴۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۴۶.

۴۲. رک: مرآة العقول، ج ۱، ص ۲۱۰.

از اخباریان قدیم به حساب آوریم، می‌توان کتاب‌های رجالی آنان را چنین برشمرد:

- الرجال، اثر محمد بن یعقوب کلینی،^{۴۳}

- مشیخة من لا یحضره الفقیه، الرجال والمصابیح هر سه اثر شیخ صدوق،^{۴۴}

- معرفة الصحابة، الرجال وخاتمة وسائل الشیعة اثر شیخ حر عاملی،^{۴۵}

- طبقات الرواة وشرح مشیخه من لا یحضره الفقیه اثر محمد تقی مجلسی،^{۴۶}

- الرجال اثر محمد باقر مجلسی وحاشیه بر نقد الرجال اثر سید نعمه الله جزایری،

- صحیفة اهل الصفا اثر محمد بن عبد النبى اخباری، معروف به میرزا محمد اخباری

(م ۱۲۳۲ق) که از آخرین فقهای مکتب اخباری‌گری به شمار می‌آید.

او کتابی در علم رجال دارد که وحید بهبهانی آن را شرح کرده است. نگارنده نسخه خطی آن را - که در کتابخانه آستان قدس به شماره (۳۲۰ع) نگه‌داری می‌شود - دیده است.

میرزا محمد اخباری در این کتاب هم به علم تراجم و هم به دانش رجال پرداخته است. این کتاب پراز نکات رجالی است.

دلایل رویکرد اخباریان به علم رجال

- بررسی سندی روایات در هنگام تعارض

یکی از راه‌های رفع تعارض روایات مراجعه به اخباری است که به اخبار علاجیه مشهورند. از جمله این اخبار، مقبوله عمر بن حنظله است که در آن، امام علیه السلام در پاسخ سؤال فردی که درباره حکم دو روایت متعارض سؤال کرده، می‌فرماید:

الحکم ما حکم به أعدلهما وأفقههما وأصدقهما فی الحدیث ...؛

حکم بر اساس آن حدیثی است که راویان آن عادل‌تر، فقیه‌تر و راست‌گوتر در نقل حدیث باشند.^{۴۷}

همان‌گونه از این حدیث شریف استفاده می‌شود، راه حل تعارض روایات، استفاده از

۴۳. الذریعة، ج ۱۰، ص ۱۰۳.

۴۴. همان، ج ۸، ص ۸۳.

۴۵. همان، ج ۱۰، ص ۱۴۴.

۴۶. همان، ص ۱۰۱.

۴۷. وسائل الشیعة، ج ۲۸، ص ۷۵.

صفات راویان است، و برای پی بردن بدین مهم، راهی جز مراجعه به علم رجال وجود ندارد. این موضوع از قدیم مورد توجه عالمان بوده است. آنان در جمع اخبار متعارض به بررسی سندی همت گماشته اند.

مرحوم مجلسی اول در این باره می نویسد:

بدان که محدثان ما دو طایفه اند: طایفه ای که به هر خبر صحیحی که به ایشان رسد، عمل می کنند و اگر دو خبر مختلف باشند، می گویند: مکلف مخیر است در عمل، یعنی مقام اطاعت و فرمان برداری آن است که نسبت به هر چه امامان معصوم بفرمایند، شنوا باشی و کاری نداشته باشی، که چرا مختلف سخن گفته اند؛ زیرا وجوه اختلاف بسیار است. بسا باشد تو چیزی را سبب اختلاف نمایی که نه چنان باشد و در آن صورت برایشان افترا بسته باشی که از این طایفه است شیخ اعظم محمد بن یعقوب کلینی. و طایفه دیگر گویند: عمل به دستور تخییر در صورتی است که به هیچ وجه امکان جمع نتوان کرد.^{۴۸}

بنا بر این، اخباریان در برخورد با روایات متعارض دورویکرد دارند: برخی در هنگام تعارض با استناد به مقبوله عمر بن حنظله، سند روایات را بررسی نموده و بر اساس تعدلیت راوی به حکم در این باره می پردازند. در مقابل، برخی دیگر در هنگام تعارض روایات، بر این باورند که به علم رجال احتیاجی نیست و این مسأله از قبیل تعارض دو قطعی است و چاره ای جز عرضه بر کتاب الله یا تخییر و یا توقف نداریم.^{۴۹}

محمد امین استرآبادی در چنین مواردی قایل به توقف است. وی بر این باور است که در صورت تعارض دو روایت، استناد به هیچ یک جایز نیست، اما اگر فردی به یکی از روایت متعارض، عمل نمود، گناهکار نیست و بر این عمل ملامت نمی شود.^{۵۰} وی بر این عقیده است که ائمه علیهم السلام قواعدی را برای خلاص از حیرت در باب احادیث متعارض ذکر کرده اند و نیازی به علم رجال در این مورد نداریم.^{۵۱}

شیخ یوسف بحرانی نیز بر این باور است و می گوید:

۴۸. لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۴۵.

۴۹. الفیوضات اللامعة، ص ۶۰.

۵۰. الفوائد المدنیة، ص ۳۷۹.

۵۱. همان.

ثقة الاسلام کلینی در کتاب الکافی، ضمن نقل طرق ترجیحات به این روش نپرداخته و ترجیح به موافقت با کتاب و مخالفت عامه و اخذ به مجمع علیه، ما را از ترجیح به اعدلیت راوی بی نیاز می گرداند.^{۵۲}

شیخ بحرانی وجه ترجیح به اعدلیت راوی را به چند جهت مردود می داند که از تفصیل آن در می گذریم.

اما شیخ صدوق در روایات متعارض به اتصال سند و انقطاع سند توجه کرده و در فرض اتصال سند از آن به عنوان یک مرجع بهره برداری کرده است. وی درباره دو حدیث متعارض چنین می گوید:

من به این حدیث حریر از محمد بن مسلم فتوا می دهم، نه آن حدیث که از ابراهیم بن اسحاق روایت شده است ... و علت فتوا ندادن به این حدیث این است که سند آن منقطع است.^{۵۳}

فیض کاشانی نیز بر این عقیده است که هرگاه دو خبر متعارض باشد، به حال راویان می نگریم و چنین می نویسد:

این یکی از وجوه ترجیح نصوص است و باید حکم به حدیثی نمود که راوی اش عادل تر، پرهیزگارتر و راستگوتر باشد.^{۵۴}

وی علت ذکر اسانید را در کتابش، امکان ترجیح در وقت تعارض می داند.^{۵۵} محمد تقی مجلسی از آن دسته از اخباریانی است که به بررسی سندی در هنگام تعارض روایات معتقد است. وی در بیان این مطلب می گوید:

فایده سند بسیار بود؛ اول آن که، خود می داند که از کدام کتاب است و در وقت تعارض می تواند ترجیح بدهد و اگر سهوی شده باشد، زود رجوع به آن کتاب می تواند کرد ...^{۵۶}

وی پس از اشاره به دیدگاه اخباریان، مبنی بر صحیح بودن روایات کتب اربعه، نظر

۵۲. الحدائق الناضرة، ج ۱، ص ۹۷.

۵۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۸.

۵۴. الوافی، ج ۱، ص ۲۵.

۵۵. همان.

۵۶. لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۱۵۲.

خود را چنین ابراز می‌دارد:

امثال چنین اصول معتبری موجب جواز عمل بدان می‌گردد، اما ناچاریم به هنگام تعارض برای ترجیح روایات بر یکدیگر به سند آنها رجوع کنیم؛ زیرا معتبر بودن تمام روایات کتاب منافاتی با این امر ندارد که برخی از آنها قوی‌تر باشد.^{۵۷}

مرحوم مجلسی دوم نیز در تأیید نظر پدر بزرگوارشان آورده است:

وجود خبر در اصول اربعمائه دلیل جواز عمل به آن است، ولی به هنگام تعارض باید به سند آنها مراجعه کرد و برخی را بر برخی دیگر ترجیح داد.^{۵۸}

چنان که ملاحظه شد، یکی از مهم‌ترین دلایل نیازمندی به علم رجال، به کارگیری این علم در حل تعارض، بین دو دسته از اخبار متناقض است.

- ذکر سند برای تمییز صحیح‌ترها از صحیح

اخباریان بر صحت روایات کتب اربعه شهادت داده و همگی آنها را معتبر می‌دانند. مرحوم مجلسی اول یکی از علل ذکر سند، در این کتب را چنین بر می‌شمرد:

کلینی طریق‌های بسیاری برای اتصال به اصول و کتاب‌های معتبر در اختیار داشته و بسا که در کتاب *الکافی* برای اتصال به کتابی، به نقل سه طریق پرداخته و گاهی نیز، دو طریق و در موافقی هم به ذکر یک طریق، اکتفا کرده است. طریق‌های مزبور، مطابق رأی متأخران، برخی صحیح و برخی دیگر ضعیف‌اند. به طور قطع، ما احتیاجی به طریق‌های ذکر شده در کتاب *الکافی* نداریم، مگر برای تمییز صحیح‌تر از صحیح.^{۵۹}

- شناسایی طبقات راویان

طبقه در اصطلاح، جماعتی را گویند که معمولاً همسال و در ملاقات مشایخ با یکدیگر، هم عصر و شریک باشند.^{۶۰} علم رجال زمانی ارزش خود را نشان می‌دهد که با سه محور اطلاعاتی (بیان طرق، بیان طبقه و تضعیف و توثیق راوی) کمکی شایان در شناسایی

۵۷. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۵۰۳.

۵۸. مرآة العقول، ج ۱، ص ۲۱.

۵۹. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۵۰۳.

۶۰. علم الحديث، ص ۲۴۵.

راویان می‌کند. پیکره سند از راویان تشکیل شده و شناخت راویان، طبقات و طرق، باعث می‌گردد اعتبار حدیث فراهم آید. می‌توان گفت که حکم به صحت یا ضعف حدیث تنها از طریق بررسی تک تک راویان به دست نمی‌آید، بلکه توجه به طبقه راوی نیز می‌تواند قرینه واضحی در اثبات یا رد حدیث بنماید.

از این رو، محمد تقی مجلسی راویان را در کتاب *طبقات الرواة* در دوازده طبقه تقسیم‌بندی می‌نماید.^{۶۱} بنا بر این، می‌توان گفت استفاده اخباریان از علم رجال گاه به منظور شناسایی طبقات راویان بوده است.

- استحباب عمل به حدیثی که دارای سند است.

سند در علم الحدیث جایگاه خاصی دارد. محدثان از قدیم بدین مهم توجه داشته‌اند و سند را به عنوان قرینه‌ای برای صحت حدیث و گاه برای استحباب می‌آوردند. محمد تقی مجلسی در این باره می‌گوید:

عمل به حدیث با اسناد حداقل آن، استحباب است.^{۶۲}

- دفع تهمت از شیعه برای عدم اتصال روایات

توده اخباریان بر این باورند که چون عالمان عامه بر محدثان و راویان شیعی عیب می‌گرفتند که آنان روایاتی را نقل می‌کنند که فاقد سلسله سند است و احادیث آنان اتصال ندارد. بنا بر این، محدثان مجبور شدند، برای دفع این تهمت و اثبات این که روایات آنان متصل است و مقطوع نیست، به ذکر سلسله اسناد بپردازند.^{۶۳}

- تیمن و تبرک

اکثر اخباریان مدعی هستند که ذکر اسناد در روایات از باب تیمن و تبرک بوده است؛ حتی برخی از بزرگان اصولی نیز به نوعی بدین مسأله اذعان دارند. مجلسی اول، چنین بیان می‌کند:

کتاب‌هایی را که شیخ صدوق اختیار نموده، در میان محدثین بسیار مشهور بوده است؛ به گونه‌ای که انتساب آن به مصنفین و راویان قطعی بوده و با تواتر

۶۱. الذریعة، ج ۱۰، ص ۱۰۱.

۶۲. لوامع صاحبقرانی، ص ۱۵۳.

۶۳. الفوائد المدنیة، ص ۳۷۷.

ثابت شده است. نقل سند به آن کتاب‌ها، فقط به خاطر تیمن و تبرک بوده، و ضرورتی در نقل آن اسناد وجود نداشته است.^{۶۴}

وی اذعان دارد که ذکر سند از طرف قدما برای تیمن و تبرک بوده است و بی شک، اخبار کتب اربعه از اصولی برگرفته شده است که شهرت آنها مانند خورشید نیمروز است.^{۶۵}

شیخ حرعاملی نیز در جواب کسی که می‌پرسد، چرا قدما هنگامی که از یک اصل، روایت می‌کنند، واسطه‌ها را ذکر می‌کنند؟ چنین پاسخ می‌دهد:

ذکر واسطه برای تبرک به اتصال سلسله سند است.^{۶۶}

- دستیابی به قراین صدور حدیث از معصوم علیه السلام

اخباریان یکی از راه‌های اثبات روایات را تواتر و نیز ثقه بودن راوی می‌دانند. از دیدگاه آنان، توجه به سند احادیث هم به سهم خود می‌توانسته در اعتماد سازی بیشتر نسبت به احادیث کمک نماید.

محمد امین استرآبادی قراینی را که به صدور حدیث از معصوم دلالت دارد، چنین بر می‌شمرد که راوی ثقه باشد و یا این که از اصحاب اجماع باشد.^{۶۷} البته وی اذعان دارد که تمییز راوی ثقه از غیر ثقه توسط قدما - که مطلع‌تر از احوال رجال بوده‌اند - صورت گرفته است.^{۶۸}

شیخ حرعاملی در این باره در کتاب *أمل الآمل* می‌گوید:

سزاوار است که به بررسی و شناخت رجال و راویان بپردازیم؛ هر چند که قراین بسیاری دال بر صحت احادیث و ثبوت روایات است، اما در عین حال، ثقه بودن راوی قرینه واضحی برای صحت حدیث است و شرایط تواتر را محقق می‌سازد.^{۶۹}

۶۴. روضة المتقین، ج ۱، ص ۲۹.

۶۵. همان، ج ۱۴، ص ۱۳.

۶۶. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۵۸.

۶۷. الفوائد المدنیة، ص ۱۷۸.

۶۸. همان، ص ۱۷۵.

۶۹. أمل الآمل، ج ۱، ص ۵.

- عمل به توصیه امامان معصوم مبنی بر توجه به احوال راویان

اخباریان با عنایت به جایگاه ویژه اهل بیت علیهم السلام بروظیفه شیعیان - که عبارت از تسلیم در برابر رهبران و فرمان برداری محض از ائمه و تمسک به اخبار آنان است - تأکید فراوان دارند تا آنجا که یکی از دلایل تألیف کتب رجال و پرداختن به احوال راویان را، اهتمام ائمه علیهم السلام به مدح و ذم راویان می دانند.

شیخ حر عاملی در این باره چنین می گوید:

از آنجا که ائمه علیهم السلام به مدح راویان و توثیق آنان و امر به اخذ حدیث از آنان اهتمام فراوان داشته اند و همچنین مخالفان خود را مورد قذح و ذم قرار می دادند، سزاوار است که در شناخت آنان بکوشیم.^{۷۰}

- مؤانست مردم به تقسیم اربعه حدیث

برخی از اخباریان با وجود معتبر دانستن کتب اربعه، به بررسی سندی احادیث به شیوه متأخران همت گماشته اند. محمد تقی مجلسی از آن دسته از اخباریانی است که به این مهم همت گماشته است. وی در بیان چرایی این عمل چنین می گوید:

چون، بیشتر مردم به این روش، مأنوس شده اند، بدین تقسیم همت گماردم و مخالفت با عامه مردم، سبب سلب اعتماد ایشان می شود.^{۷۱}

- جرح و تعدیل راویان با رویکردی اخباری

توجه به مبنای رجالی اخباریان، حاکی از سهل گیری آنان در توثیق راویان است. این نکته بسیار حائز اهمیت است که مبنای جرح و تعدیل رجال در میان اخباری ها با مبانی اخباری ایشان در فقه ورزی تناسب دارد. به عبارت دیگر، آنان نوعی رجال شناسی اخباری را پی ریختند.^{۷۲} بر مبنای آنان، عده بیش تری از راویان به وثاقت رسیده و در نتیجه، صحت احادیث بیشتری اثبات می گردد.

تاریخ حدیث، گویای آن است که تساهل در پذیرش روایات - که امری مناسب با طبیعت برخی راویان بوده است - در صدر اول و عصر قدما نیز وجود داشته است. بعضی از تعبیرهای رایج در شرح حال برخی راویان از قبیل: «یروی عن الضعفاء» و

۷۰. همان، ص ۵ - ۶.

۷۱. با کمی دخل و تصرف: *لوامع صاحبقرانی*، ج ۱، ص ۱۵۶.

۷۲. *کلینی محدث یا اهل الحدیث*، ج ۱، ص ۱۵۲.

«يعتمد المراسيل» و یا اظهارات برخی از قدما، مانند کلام شیخ مفید، مؤید این مطلب است. ایشان می‌فرمایند:

اما آن دسته از اصحاب ما که به اخبار متمسک هستند، افرادی سلیم النفس، کند ذهن و ساده انگارند؛ احادیثی را که می‌شنوند، با تمام وجود می‌پذیرند؛ تأملی در سند ندارند و حق و باطل آن را تمیز نمی‌دهند.^{۷۳}

اما شکل تساهل در بین اصحاب ائمه علیهم‌السلام و قدما با شکل آن در بین متأخران، متفاوت است؛ زیرا تساهل در بین متقدمان - که اصول اربعمائه و کتاب‌های معتبر را در اختیار داشته‌اند - با پذیرش روایت از راویان ضعیف و اعتماد بر کتاب‌های غیر معتبر آغاز شده است؛ در حالی که در عصر متأخران، با از بین رفتن اصول و کتاب‌های مزبور، با این عقیده آغاز شده که روایات شیعه توسط مؤلفان کتب اربعه و برخی دیگر از قدما تهذیب شده است و روایاتی که به اصطلاح قدما ضعیف بوده‌اند، از روایات شیعه حذف شده است و آنچه اکنون درون کتب اربعه و برخی دیگر از کتاب‌های قدما موجود است، مجموعه‌ای است که از کتاب‌ها و اصول معتبر حدیثی گرفته شده، و صدور آن از معصومان علیهم‌السلام قطعی است.

به باور برخی، اخباریان در مقام توثیق و مدح راوی به افراط گراییده و سهل می‌گرفته‌اند و در مقابل، در امر تضعیف راوی سخت‌گیری می‌نموده‌اند. شاید نگاهی به مبانی رجالی اخباریان در توثیق و یا رد تضعیف راویان، برخی را به این باور واداشته است. به نظر می‌آید که اخباریان در جرح و تعدیل راویان، کفه توثیق را سنگین‌تر کرده تا در نهایت، به صحت حدیث کمک نمایند؛ به عنوان مثال، مجلسی اول در ترجمه احمد بن ابی عبدالله برقی آورده است که وی از ضعفا فراوان نقل می‌کرده است و بر مراسیل اعتماد داشته است و قمی‌ها وی را ضعیف می‌شمردند، اما نزد من روایتش مقبول است.^{۷۴}

طرفداری از این نظریه زمانی به اوج خود می‌رسد که اخباریان، بسیاری از راویان را که متهم به غلو هستند، توثیق نموده و در رد نسبت غلو از آنان تلاش می‌نمایند و بر کسانی چون ابن غضائری - که کتابی در باره راویان ضعیف نگاشته است - به دلیل کثرت موارد جرح و قدح ثقات، خرده می‌گیرند؛ به عنوان مثال، مجلسی اول در باره محمد بن سنان

۷۳. الارشاد، ج ۱، ص ۱۰.

۷۴. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۴۲.

می‌گوید:

وی را به غلو نسبت داده‌اند؛ در حالی که نزد من ثقه و از اصحاب سراسر است و من در وی اثری از غلوی نمی‌بینم.^{۷۵}

مخالفان ابن غضایری و موقف رجالی وی بیشتر اخباریانی هستند که تضعیفات ابن غضایری آنان را به وحشت انداخته است؛^{۷۶} به عنوان مثال، مرحوم مجلسی اول جرح برخی از راویان مانند جابر بن یزید جعفی را به خاطر نقل معجزات ائمه علیهم‌السلام از سوی بعضی از عالمان رجالی (مانند ابن غضایری) رد کرده و می‌گوید:

اما ابن غضایری مجهول الحال وی را جرح کرده است و متأخران - رحمهم الله تعالی - بر اقوال نامبرده اعتماد کرده‌اند.^{۷۷}

وی می‌نویسد:

آیا درست است که بسیاری از راویان را به خاطر غلو طرد کنیم؛ در حالی که قدما در معنای غلو اختلاف دارند.^{۷۸}

وی سبب جرح اکثر مجروحان را علو حال آنان می‌داند که عقل اکثر مردم از درک آن عاجز است. وی عالم رجالی یاد شده را به خاطر این گونه تضعیف‌ها خطا کار می‌داند و می‌گوید:

پس ای اهل انصاف، به ظاهر جرحی که برخی از عالمان رجال در مورد اصحاب بزرگ ائمه ذکر کرده‌اند، توجهی مکن؛ از آنجا که ایشان اصحاب اسرار ائمه بوده و معجزات آن بزرگواران را نقل کرده‌اند.^{۷۹}

مرحوم نوری نیز در خاتمه مستدرک الوسائل انتساب این کتاب به ابن غضایری مردود می‌شمرد و نسبت غلو و یا واقعی بودن را از برخی از راویان، با استدلال‌های قوی رد می‌کند.^{۸۰}

۷۵. همان، ص ۲۹.

۷۶. «روش ابن غضائری در نقد رجال»، ص ۵۶.

۷۷. روضة المتقین، ج ۱، ص ۷۷.

۷۸. همان، ص ۷۲.

۷۹. همان، ص ۹۵.

۸۰. رک: خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۵.

همچنین تعابیری همچون «ضعیف علی المشهور و معتبر عندی»^{۸۱} و «ضعیف علی المشهور و معتمد عندی»^{۸۲} و «مختلف فیه حسن عندی»^{۸۳}، حاکی از سهل گیری مرحوم مجلسی در ارزیابی حدیث دارد.

- اثبات اعتبار مصادر کتب حدیثی و صحت انتساب آنها به مؤلفانشان

از آنجا که اخباری مسلکان در ارزشیابی روایات اعتقاد به وثوق صدوری روایات دارند. یکی از راه های عمده وثوق صدوری، بر محور بررسی کتاب های حدیثی به عنوان یک مجموعه صورت می گیرد. در این شیوه، موضوع بررسی از جهت اعتبار و حجیت مجموعه کتاب یا کتاب های معین است؛ برای مثال، گفته می شود که کتاب *الکافی* اثر مرحوم کلینی مورد اعتماد است؛ به این معنا که هر حدیثی که در این کتاب نقل شده از جهت صدور، قطعی یا معتبر است؛ هر چند عده ای از اخباریان بر این باورند که انتساب کتاب های حدیثی - که هم اکنون در دسترس اند، به مؤلفانشان قطعی است و به صورت یک مجموعه از جهت صدور، مورد اعتمادند.

قدما برخلاف متأخران، برای تصحیح روایات به تک تک رجال سند توجه نمی کرده اند، بلکه آنان کتاب های حدیثی را مورد توجه قرار داده و هر کتابی که مؤلف آن ثقه بوده و از ضعف روایت نمی کرده و از روایات مرسل نیز اجتناب می کرده، کتابی معتمد دانسته و به جمیع روایات آن عمل می کردند.

شیخ حر عاملی در خاتمه *وسائل الشیعة* بر صحت مصادر کتابش، تأکید دارد و برای اثبات آن از علم رجال بهره می گیرد، وی در قسمت پاسخ به اعتراض ها بر اشکال هایی که بر حجیت کتاب های مشهور حدیثی وارد آمده، پاسخ می گوید. وی مواردی از *الفهرست* شیخ طوسی را استخراج کرده که در آنها شیخ در باره کتاب ها اظهار نظر کرده است؛ مثلاً در باره «حفص بن غیاث قاضی» می گوید:

عامی مذهب است، ولی کتاب مورد اعتمادی دارد.^{۸۴}

شیخ نوری نیز در فائده دوم خاتمه *مستدرک الوسائل* بدین مهم اهتمام ورزیده و به

۸۱. *مرآة العقول*، ج ۱، ص ۲۱۰.

۸۲. همان.

۸۳. همان، ج ۲، ص ۲۴۳.

۸۴. *وسائل الشیعة*، ج ۳۰، ص ۳۵۷.

مناقشه در باره تضعیفات وارده در باره برخی از این مؤلفان پرداخته و در انتها به جلالت و علو منزلت آنها می دهد و در راه رسیدن به این مقصود از نص عالمانی فن بهره می گیرد.^{۸۵}

- مقطعی بودن کوشش های رجال اخباریان

برخی بر این باورند که همت اخباریان به علم رجال مربوط به دوران خاصی از زندگی آنان می شده است و بعدها مانند برخی از عالمان از موضع خود کناره گیری کرده اند و تغییر گرایش داده اند؛ به عنوان مثال، محمد امین استرآبادی ابتدا فردی اصولی بوده و شاگرد صاحب مدارک بوده است.^{۸۶} اما بعدها، دارای گرایش اخباری گری شده است. از این رو، برخی تألیفات رجالی افرادی چون میرزا محمد اخباری و... را به دوران خاصی از زندگی علمی آنان مرتبط می دانند.^{۸۷}

اما به نظر نگارنده این فرضیه باطل است، و براساس بررسی های صورت گرفته پرداختن به علم رجال منافاتی با گرایش اخباری گری ندارد.

نتیجه

- اخباریان، به طور مطلق منکر علم رجال نشده اند، بلکه قایل به عدم احتیاج به آن به ویژه در محدوده روایات کتب اربعه هستند.

- قرآینی وجود دارد که حاکی از رویکرد مثبت اخباریان به علم رجال است. از جمله این قراین؛ تألیف کتب رجالی، بحث و گفتگو در باره وثاقت و عدم وثاقت راوی و... است. همچنین آنان یکی از قراین صحت حدیث را وثاقت راوی بر شمرده اند.

- با نگاهی دقیق تر در می یابیم که آنان با علم رجال مخالف نیست، بلکه با کارآیی علم رجال در راستای تنويع حدیث مخالف اند. در حقیقت اخباریان محدود کردن صحت حدیث را در چارچوب وثاقت راوی بر نمی تابند و حکم به صحت یا ضعف حدیث، تنها بر اساس اطلاعات رجالی را نمی پذیرند.

- برخی از علمای اخباری با وجود نپسندیدن تنويع حدیث بلکه به علت مؤانست مردم با این روش با رویکردی اخباری منشان به بررسی احادیث پرداخته اند. مانند مرحوم

۸۵. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۷.

۸۶. روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۲۰.

۸۷. «کلینی محدث یا اهل الحدیث»، ج ۱، ص ۱۲۳.

مجلسی اول در شرح کتاب من لا یحضره الفقیه به نام روضة المتقین و مرحوم مجلسی دوم در شرح خود بر کتاب الکافی که مرآة العقول نام دارد. آنان، در توثیق و تضعیف رجال با سهولت برخورد کرده و کفه ترازو را به سمت توثیق رجال و در نهایت تصحیح حدیث سنگین می نمودند.

- اخباریان در مقام توثیق و مدح راوی سهل می گرفته اند و در مقابل در امر تضعیف راوی سخت گیری می نموده اند. این نظریه زمانی به اوج خود می رسد که اخباریان، کوشیدند بسیاری از راویان که به غلو متهم بوده، توثیق نموده و در رد نسبت غلو از آنان تلاش نمایند و بر کسانی چون ابن غضائری که کتابی درباره راویان ضعیف نگاشته است - و بر کثرت جرح و قدح ثقات نزد وی خرده گرفتند.

- برخی از دلایل رویکرد اخباریان به علم رجال به قرار زیر است: بررسی سندی روایات در هنگام تعارض روایات، شناسایی طبقات روات، استحباب عمل به حدیث همراه با اسناد، دفع تهمت از شیعه برای عدم اتصال روایات، تیمن و تبرک، رهیافت به قراین صدور حدیث از معصوم علیه السلام، توجه و توصیه امامان معصوم به احوال روات، بررسی کتب حدیثی (غیر از کتب اربعه) برای اثبات صحت حدیث، مؤانست مردم به تقسیم اربعه، جرح و تعدیل راویان با رویکردی اخباری، اثبات اعتبار مصادر کتب حدیثی و صحت انتساب این کتاب ها به مؤلفان و...

- آنان سبک نوینی را در عرصه دانش رجال و بررسی حدیث بر اساس وثاقت راوی پی ریختند، از آنجا که در حکم به وثاقت راوی تنها به نصوص رجالی اکتفا نکرده و از راه های دیگری را نیز برای اثبات وثاقت راوی سخن به میان آورده اند. از آن میان می توان به عناوینی از قبیل آن که «راوی از اصحاب اجماع باشد» یا «راوی از مشایخ اجازه باشد» و... اشاره نمود.

کتابنامه

- الاصولیون و الاخباریون فرقة واحدة، فرج عمران قطیفی، نجف: مطبعة حیدریه، ۱۳۷۶ ش.
- الاعتقادات، محمد بن محمد بن نعمان م ف ی د، تهران: روشنائی مهر، ۱۴۳۰ ق.
- بحوث فی فقه الرجال، محمد آصف حسنی، قم: سید الشهداء، ۱۴۰۳ ق.
- تاریخ الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.
- تکملة الرجال، عبد النبى بن علی کاظمی، قم: انوار الهدی، ۱۴۲۵ ق.

- الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، یوسف بحرانی، تحقیق: محمد تقی ایروانی، نجف: دارالکتب الاسلامیة، بی تا.
- حق المبین فی کیفیة التفقه فی الدین، محمد بن مرتضی فیض کاشانی، تهران: سازمان چاپ دانشگاه، ۱۳۴۹ ش.
- خاتمة مستدرک الوسائل، حسین نوری، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۵ ق.
- دایرة المعارف تشیع، زین ظراح مد ص درج اح سی دج وادی، کامران فانی و بهاء الدین خرمشاهی، تهران: موسسه دایرة المعارف تشیع، ۱۳۷۲ ش.
- الذریعة الی تصانیف الشیعة، محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، بیروت: دار الضواء، بی تا.
- رجال الخاقانی، علی خاقانی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- الرجال، محمد بن حسن حر عاملی، قم: دارالحديث، ۱۳۸۵ ش.
- روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات، محمد باقر بن زین العابدین خوانساری، قم، ۱۳۹۱ ق.
- روضة المتقین، محمد تقی مجلسی، قم: بنیاد فرهنگ اسلامي، ۱۳۶۹ ش.
- علم الحديث، کاظم مدیر شانه چی، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۸۱ ش.
- علوم الحديث ومصطلحه، صبحی صالح، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۳ ش.
- الفوائد المدنية، محمد امین استرآبادی، تحقیق: رحمة الله أراکی، قم: مؤسسه نشر اسلامي، ۱۴۲۲ ق.
- الفهرست، محمد بن اسحاق (ابن ندیم)، بی جا: نشر رضا تجدد، ۱۳۵۰ ق.
- الفیوضات اللامعة، محمد باقر کرمانی اصفهانی، اصفهان: چاپ سربی، ۱۳۶۵ ش.
- لوامع صاحبقرانی، محمد تقی مجلسی، بی جا: علمی، بی تا.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ ش.
- مقدمه ای بر فقه شیعه، حسین مدرسی طباطبایی، ترجمه: محمد آصف فکرت، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامي آستان قدس، ۱۴۱۰ ق.
- مکاتب فقه امامی ایران، احمد پاکتچی، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵ ش.
- الملل والنحل، محمد بن عبد الکرم شهرستانی، بی جا: اقبال، ۱۳۵۰ ش.
- من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق.
- نظریة السنة فی الفكر الامامی الشیعی، حیدر حب الله، بیروت: الانتشار العربی، ۲۰۰۶ م.

- نقد الرجال، مصطفی بن حسین تفرشی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸ق.
- الوافی، محمد بن مرتضی فیض کاشانی، قم: مکتبه الامام الامیرالمؤمنین، ۱۴۰۶ش.
- وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۲ق.
- هدایة الابرار إلى طریق ائمة الاطهار، حسین بن شهاب الدین کرکی، تصحیح: رئوف جمال الدین، بغداد: مکتبه الوطنیه، ۱۹۷۷م.
- «روش ابن غضائری در نقد رجال»، عبد المهدی جلالی، مجله مطالعات اسلامی، ش ۶۵ - ۶۶.
- «کلینی محدث یا اهل حدیث»، هادی بابایی، مجموعه مقالات فارسی کنگره بین المللی ثقہ الاسلام کلینی، ج ۱.